

# همایش انقلاب اسلامی؛ ایران‌شناسی: دیروز، امروز، فردا

● محمدحسن رجبی



همایش «انقلاب اسلامی، ایران‌شناسی: دیروز، امروز، فردا» توسط دانشگاه مطالعات خارجی توکیو و با همکاری سفارت جمهوری اسلامی ایران در توکیو در روز ۱۶ اسفند ماه سال گذشته (۱۳۷۷) برابر با ۷ مارس ۱۹۹۹ در سالن اجتماعات این دانشگاه و با شرکت سخنرانانی از ایران و تنی چند از ایران‌شناسان ژاپن برگزار گردید.

این سمینار که از ساعت ۹/۳۰ تا ۱۲/۳۰ و سپس از ساعت ۱۴/۰۰ تا ۱۸/۳۰ ادامه یافت، با سخنرانی رئیس دانشگاه مطالعات خارجی توکیو افتتاح شد. وی ضمن خوش آمدگویی به حضار از برگزاری این سمینار تشکر کرد و خواستار گسترش هر چه بیشتر روابط فرهنگی بین دو کشور شد. سپس منوچهر متکی، سفیر ایران در ژاپن ضمن تشکر از رئیس دانشگاه و برگزارکنندگان سمینار، به ویژه پرفسور هاچی اوشی، استاد تاریخ معاصر ایران در دانشگاه مطالعات خارجی ژاپن به تاریخچه روابط و مشترکات فرهنگی دو کشور اشاره کرد و از توجه و علاقه روزافزون ایران‌شناسان ژاپنی به مطالعات ایرانی در دودانشگاه توکیو و اوساکا تشکر کرد و آنها را نشانه علاقه مندی دو دولت ایران و ژاپن در گسترش روابط همه‌جانبه فی‌مابین دانست. پس از آن سخنرانان به ترتیب زیر به ایراد سخنرانی به زبان فارسی و ژاپنی (باترجمه همزمان) پرداختند.

در ادامه جلسه افتتاحیه، آیت‌الله جنتی ضمن تشکر از مسئولان برگزارکننده سمینار، آنها را نشانه مشترکات فرهنگی دو کشور دانست و بر ارتباط هرچه بیشتر فرهنگی فی‌مابین تأکید کرد.

سخنران بعد پرفسور سوزوکی، کارشناس موسسه مطالعات اقتصاد آسیای ژاپن، به ارائه تصویری از سیمای ایران پیش از انقلاب - و بر اساس دو کتاب سیمایی، نوشته مسعود محرابی و جمال امید - پرداخت. وی اظهار داشت که از سال ۴۰ به بعد موج جدیدی توسط برخی از کارگردانان ایرانی در سیمای ایران ایجاد شد که «جبهه سوم» نام گرفت و آثار آنها را می‌توان جزو «شاهکار»های سیمایی دانست که از آن جمله‌اند: بهرام بیضایی، داریوش مهرجویی و عباس کیارستمی. اما این موج در دو سال پیش از انقلاب به سکون و سکوت و رکود انجامید و برخی از منتقدان آنرا «ورشکستگی سیمای ایران» نامیدند. اوسیمای ایران را از موفقیت‌های چشمگیر ایران در عرصه فرهنگی -

هنری دانست و آن را به میزان زیادی - مرهون تلاش همان دسته از سینماگران برشمرد.

دکتر محمدحسین پناهی، رئیس گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی تحت عنوان «علل و اهداف انقلاب اسلامی: از منظر شعرهای انقلاب» سخنرانی خود را ایراد کرد.

در این سخنرانی - که جزئی از یک تحقیق وسیع‌وی درباره «جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل جامعه‌شناختی شعرهای انقلاب» است - دکتر پناهی پس از مقدمه‌ای درباره اهمیت شعرهای انقلابی و ضرورت کار جمع‌آوری سیستماتیک و تجزیه و تحلیل جامعه‌شناختی بیش از ۸۰۰۰ از شعرهای انقلاب اسلامی و جمع‌آوری و حفظ و مطالعه آنها، ابتدا درباره روش جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شعرهای انقلاب توضیح داد و خاطر نشان ساخت که کار جمع‌آوری شعرهای انقلاب اسلامی را از انواع مختلف منابع مکتوب، مانند: کتاب، روزنامه، مجله، دست‌نوشته و غیره انجام داده است. روش تجزیه و تحلیل وی، تحلیل محتوا بوده که در دو مرحله انجام گرفته است: مرحله اول، تفکیک شعرهای انقلاب از غیرشعرها بوده که با تعریف جامعه‌شناختی از «شعر انقلابی» و تعریف نظری و عملیاتی، پنج بعد: زبانی، پیامی، نگرشی، ارزشی و سیاسی یک شعر انقلابی انجام شده است. مرحله دوم، تجزیه و تحلیل جامعه‌شناختی شعرهای به دست آمده از مرحله اول بود که در آن بر مبنای یک چارچوب نظری، مقولات تجزیه و تحلیل به دست آمده سپس با تحلیل محتوای هر یک از شعرها، مقولات شعرها مشخص شده است. بدین ترتیب ساختار شعرهای انقلاب اسلامی در شش محور:

۱- شعرهای مربوط به وضع رژیم گذشته: ۲- شعرهای مربوط به چگونگی سرنگون کردن رژیم: ۳- شعرهای پس از سرنگونی رژیم: ۴- شعرهای مربوط به شخصیت‌های انقلاب: ۵- شعرهای مربوط به نظام‌ها و شخصیت‌های سیاسی بین‌المللی و ۶- شعرهای مربوط به اهداف، آرمانها و ارزش‌های انقلاب اسلامی مشخص شده است.

«سازمان کنفرانس اسلامی»

نشانگر مدرن بودن

جهان اسلام کنونی است.

این سازمان از کشورهای اسلامی

تشکیل شده

و خواهان وحدت جهان اسلام است.



تاریخ تحقیقات زبان فارسی

و ایران‌شناسی در ژاپن

اگرچه سابقه طولانی ندارد

اما بسیار ثمربخش بوده

و خوشبختانه در این سالها

تعداد دانشجویان و محققان

در تمام رشته‌های ایران‌شناسی

رو به افزایش است.

شعرهای مربوطه پرداخت.

به گفته وی ۹۷٪ از شعرهای دوره انقلاب، مربوط به وضعیت رژیم قبل از انقلاب است. با توجه به چگونگی توزیع شعرهای انقلاب در مقولات مربوط به وضعیت رژیم گذشته، مشخص شده است حدود ۹۷٪ شعرهای انقلاب مربوط به وضعیت سیاسی رژیم پیشین می‌باشد و بقیه به سه بعد فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی تعلق دارد.

علت انباشتگی شعرهای انقلابی در بعد سیاسی را ایشان به دلیل سیاسی شدن کلیه ناراضیاتی‌های مردم از ابعاد فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی دانست نه به دلیل کم‌اهمیت بودن مشکلات ابعاد دیگر. بنابراین می‌توان گفت علت نزدیکتر انقلاب، عدم مشروعیت رژیم و ناراضیاتی شدید مردم از آن بوده است ولی این بحران مشروعیت، خود ناشی از ناراضیاتی‌های مردم از وضعیت فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی می‌تواند باشد.

پس از وی خانم دکتر توموکو یاماگیشی تحت عنوان «ایا شیزوفر نیای فرهنگی برای روشنفکران مسلمان حتمی است؟» به نقد کتاب «شیزوفر نیای (چندشخصیتی) فرهنگی» اثر داریوش شایگان پرداخت. وی اظهار داشت: غرب و مدرنیسم نه تنها روشنفکران ایران بلکه شاید اکثریت مردم این کشور را در ورطه پریشانی و گیجی افکنده است. تاریخ معاصر ایران همواره با این پدیده مواجه و درگیر بوده است.

انقلاب اسلامی ایران کوششی سیاسی ایدئولوژیک جهت مقابله با این بحران بود. سپس نقطه نظرات شایگان را در چهار فصل کتاب به اختصار چنین بیان کرد: در فصل نخست شایگان می‌گوید که جهان سوم به دلیل وحشت از فقدان هویت، «عقل» را که در غرب جا افتاده است درک نکرده و «واقعیت» را به درستی نشناخته و به علم و فرهنگ خود پشتتیا می‌زند تا موجودیت خود را حفظ کند. مردم جهان سوم از آن رو که نمی‌توانند نقطه پایان بر افکار گذشته خود بگذارند، توانایی پیشرفت را نداشته و مانند آنست که از تاریخ معاصر «مرخصی» می‌گیرند. در فصل دوم، نویسنده به موضوع «پارادیم» پرداخته و نظرش را که دو پارادیم دینی و مدرنیته در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند ارائه می‌دهد. فصل سوم و چهارم شامل انتقادات نویسنده به «بچه روشنفکران» است که عقل روز را کج دریافته و کج می‌سازند.

خانم یاماگیشی سپس از دو نقطه نظر به انتقاد کتاب پرداخت: ۱- با وجود آنکه نویسنده شخصا برای «نقد» و «انتقاد» اهمیت فراوانی قائل است و جایگاه عقل و فرهنگ جهان سوم به ویژه روشنفکران مسلمان را با دقت و شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد اما از مدرنیته سادگی می‌گذرد و انتقاد کمی بر آن وارد می‌کند، ۲- در نظر شایگان بچه روشنفکران، افراد ساده و سطحی هستند اما از سوی دیگر، وی همه روشنفکران مسلمان و اندیشه‌های آنان را در یک چارچوب قرار می‌دهد و چنین می‌نماید که بین تمامی روشنفکران جوامع اسلامی از شخص گرفته تا مردم جامعه، تفاوتی وجود ندارد. او در پایان افزود: من چون فردی شرقی و از کشوری غیر غربی هستم، انتقاد نویسنده از شکاف موجود میان سنت و مدرنیته را درک می‌کنم و آرزو مندم که شایگان ناامیدی خود را از هموطنانش به کناری نهاده و تلاش کند گفتگوی بیشتری با روشنفکران مسلمان داشته باشد تا مناظره منطقی میان آراء گوناگون به وجود آید.

خانم یاماگیشی پیش از شروع بحث اصلی، نسبت به منابع اطلاعاتی خود تردید نمود و اظهار داشت: متأسفانه اطلاعاتی که ما در ژاپن در خصوص ایران دریافت می‌کنیم اکثراً از کانال اروپا و آمریکا می‌باشد و خیلی از منابع این اطلاعات، مهاجران ایرانی می‌باشند لذا درخواست نمود تا ایرانیان ساکن ایران توضیح دهند که روشنفکران ایرانی تا چه اندازه و چگونه از غربزدگی رها شده‌اند. محمدحسین رجیبی، کارشناس پژوهشی کتابخانه ملی ایران نیز در سخنان خود به بیان سیاست‌ها و برنامه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیرامون صنعت نشر کشور در بیست ساله پس از انقلاب پرداخت. وی اظهار داشت که بر اساس آمار و ارقام منتشره، تعداد عناوین کتاب و نشریات در سال ۷۶ نسبت به سال ۵۶ بیش از ۴۰۰ برابر رشد داشته است. او همچنین به نمونه‌هایی از اقدامات این وزارت در جهت تشویق پدیدآورندگان کتاب و گسترش فرهنگ کتابخوانی اشاره کرد و برگزاری مراسم «کتاب سال جمهوری اسلامی ایران» و «جایزه بین‌المللی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران»، تشکیل «نمایشگاه سالانه بین‌المللی کتاب، نمایشگاه سالانه استانی کتاب»، انتشار نشریات «کتاب‌ماه» و «کتاب‌هفته» و تأسیس «دفتر نشر میراث مکتوب» را در همین راستا برشمرد.

آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان در سخنرانی خود که

تحت عنوان «ولایت و رهبری در ایران» ایراد نمود. مبنای اسلامی ولایت فقیه را تشریح نمود و حدود اختیارات ولی فقیه را در مذهب شیعه و قانون اسلامی که بدان تصریح شده است برشمرد و آن را اساس و مقوم نظام جمهوری اسلامی ایران دانست. پس از ایشان پرفسور حسن کوناگانا، استاد دانشگاه یاماگوچی به ایراد سخنرانی خود تحت عنوان «دموکراسی و ولایت فقیه» پرداخت. وی شرایط ولی فقیه را پس از غیبت کبری در مذهب شیعه برشمرد و اظهار داشت که حکومت اسلامی به معنای واقعی کلمه حکومت مردمی است و مملکت به حکومت رسیدن حاکم اسلامی را آرای مردم دانست و لاغیر که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدان تصریح شده است. بدین ترتیب از نظر او نه تنها هیچگونه تخالف و ناسازگاری میان اسلام و دموکراسی وجود ندارد بلکه دموکراسی واقعی در حکومت اسلامی عینیت یافته است. وی در این باره به گفته‌هایی از امام و آیت‌الله خامنه‌ای استناد کرد.

پس از وی پرفسور اکیرو ماتسوموتو، استاد دانشگاه مطالعات خارجی توکیو مقاله خود را تحت عنوان «عرفان و انقلاب اسلامی» ایراد کرد. چکیده سخنرانی وی که به قلم هموست، چنین است: «امام خمینی رهبرانقلاب اسلامی ایران هم مرجع تقلید بود و هم از عرفان نامدار به شمار می‌رفت. عرفان اسلامی روش درک کردن حق و روابط میان حق و عالم و آدم است. عرفان بدین نکته اشاره دارد که خداوند در انواع پدیده‌ها ماهیت خود را ظاهر می‌کند و یا به عبارت دیگر عظمت‌الله در انواع پدیده‌ها ظاهر می‌شود. این اندیشه درباره خداوند در سراسر جهان اسلام گسترش یافته و اساس نظر مسلمانان به عالم هستی شده

است. اظهار نظر آقای خاتمی، رئیس جمهوری اسلامی ایران، درباره تنوع نظرها از عرفان اسلامی ریشه گرفته است نه از دموکراسی نوع غربی آن.»

سخنران بعد پرفسور هاچی اوشی، استاد تاریخ معاصر ایران در دانشگاه مطالعات خارجی توکیو بود. وی در سخنرانی خود به تبیین علل رویکرد ژاپنی‌ها به مطالعات ایرانی پس از انقلاب اسلامی ایران پرداخت و گفت: جامعه ایران از جنبه‌های علمی و فرهنگی مورد توجه مردم ژاپن قرار گرفته و آنها را به سوی خود جلب کرده است. توجهات و علائق مردم ژاپن نسبت به ایران در مقایسه با کشورهای همجوار ایران اگر بیشتر نباشد کمتر نیست. دو کشور در قرن‌های گذشته از طریق جاده ابریشم با هم ارتباط داشته‌اند ولی این ارتباط قوی و مستحکم نبوده است. جای شگفتی است که امروزه ژاپنی‌ها درباره جامعه ایران این اندازه علاقه نشان دادند و بررسی‌ها و تحقیقات زیادی انجام می‌دهند.

مطالعات غربی‌ها درباره ایران در مقایسه با مطالعات و بررسی‌های ژاپن بسیار گسترده‌تر است. دلیل این امر نیز سیاسی است چون در گذشته به ویژه در قرن نوزدهم ایران از نظر سیاسی زیر سلطه ممالک اروپایی بوده است و لازم بود که اروپائیان همه جوانب ایران را خوب شناخته و همه چیز را درباره ایران بدانند. بنابراین تحقیق و مطالعه اروپائیان درباره ایران همه‌جانبه و گسترده بوده است. علت و انگیزه مطالعاتی که در ژاپن درباره ایران صورت گرفته در مقایسه با مطالعات غربی‌ها درباره ایران متفاوت است. ژاپنی‌ها از زوری علاقه شخصی به این امر اقدام نموده‌اند، بنابراین مطالعاتی که ایران‌شناسان ژاپنی درباره ایران



از سال ۴۰ به بعد موج جدیدی توسط برخی از کارگردانان ایرانی در سینمای ایران ایجاد شد که «جبهه سوم» نام گرفت و آثار آنها را می‌توان جزو «شاهکار» های سینمایی دانست اما این موج در دو سال پیش از انقلاب به سکون و سکوت و رکود انجامید و برخی از منتقدان آن را «ورشکستگی سینمای ایران» نامیدند.

ایران‌شناسان ژاپنی نه تنها در زمینه ادبیات فارسی بلکه مطالعه زبان فارسی، باستان‌شناسی، تاریخ، ایران پیش از اسلام و همچنین تاریخ ایران پس از اسلام، به ویژه درباره تاریخ ایران در دوره مغول، مطالعات و تحقیقات وسیعی انجام داده‌اند.

انجام دادمانند ارتباطی با سیاست نداشته و اگر هم داشته بسیار اندک بوده است.

ایرانشناسان ژاپنی نه تنها در زمینه ادبیات فارسی (مانند مطالعه و بررسی متون و کتب فارسی)، بلکه مطالعه زبان فارسی، باستان‌شناسی، تاریخ ایران پیش از اسلام (مانند دوره هخامنشیان و ساسانیان) و همچنین تاریخ ایران پس از اسلام، به ویژه درباره تاریخ ایران در دوره مغول مطالعات و تحقیقات وسیعی انجام داده‌اند.

مطالعات و بررسی‌های محققان ژاپنی به ویژه راجع به دوره مغول بسیار وسیع و گسترده است. چون محققان ژاپنی علاوه بر استفاده از متون فارسی می‌توانند از متون چینی نیز استفاده کنند. که محققان سایر ملل توانایی آن را ندارند. به همین دلیل سطح مطالعات محققان ژاپنی نسبت به تحقیقات سایر ایرانشناسان در این دوره، بالاتر و گسترده‌تر است.

مطالعاتی که تا بدو پیروزی انقلاب اسلامی ایران در کشور ژاپن صورت گرفته مربوط به زبان و ادبیات فارسی، تاریخ و غیره بوده است و چنانکه باید و شاید درباره سایر حوزه‌های ایرانشناسی مطالعاتی صورت نگرفته است. به همین دلیل مردم ژاپن درباره جامعه ایران پیش از انقلاب آگاهی و شناخت کافی نداشتند. پس از پیروزی انقلاب، شناخت و آگاهی مردم ژاپن درباره جامعه ایران رو به افزایش نهاد. البته تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، ایرانشناسان ژاپن به طور مجزا و مستقل از یکدیگر درباره ایران به مطالعه و تحقیق مشغول بودند و ارتباط نزدیکی میان آنان برقرار نبود. رسانه‌های گروهی ژاپن نیز حوادث سیاسی انقلاب ایران را به اطلاع مردم می‌رسانند ولی مطالعه و تحقیقی درباره علل و انگیزه‌های آن انجام نمی‌دادند. به عنوان مثال حدود دو سال پیش از وقوع انقلاب، وقتی که مقاله‌ای توهین‌آمیز علیه امام خمینی در روزنامه اطلاعات درج گردید رسانه‌های گروهی ژاپن نامی از امام نبردند و فقط به درج مقاله اشاره داشتند و بعد از گذشت شش ماه از آن تاریخ، برای اولین بار نامی از ایشان بردند که البته اصلاً توضیحی درباره اینکه چرا امام رهبری انقلاب را به دست گرفته ندادند. چون همانگونه که ذکر شد ژاپنی‌ها درباره جامعه ایران و اسلام شناخت زیادی نداشتند و به همین علت توضیح بیشتری نمی‌توانستند ارائه دهند.

به دلیل رفع چنین مشکلات و نیل به اهداف شناخت جامعه ایران، در سال ۱۹۸۰ بخش زبان و ادبیات فارسی و ایرانشناسی دانشگاه مطالعات خارجی توکیو افتتاح گردید و سمینارهایی نیز درباره ایران برگزار شد و مقالاتی نیز به رشته تحریر درآمد.

همانگونه که گفته شد مردم ژاپن از جامعه ایران پیش از انقلاب اطلاع اندکی داشتند، لذا یکی از دلایل مهم توجه مردم ژاپن به پدیده انقلاب اسلامی ایران، نگرانی‌های آنها از به هم خوردن داد و ستدهای بازرگانی، به ویژه موضوع خرید نفت ایران توسط ژاپن و قطع جریان صدور نفت به آن کشور بود. از اینرو دولت و مردم ژاپن پس از پیروزی انقلاب اسلامی توجه خاصی به مسائل ایران نمودند و همین امر موجب رونق مطالعات ایرانشناسی در این کشور گردیده است.

سخنران بعد، پرفسور یاسوشی کوسوگی از دانشگاه کیوتو و عنوان سخنرانی «ایران از نظر جهان اسلام» بود. او اظهار داشت: «از نظر محققان، جهان اسلام را یعدو مرحله می‌توان تقسیم کرد: اول، جهان اسلام قدیمی یا سنتی است که تا اوایل قرن بیستم از بین رفت؛ دوم، جهان اسلام جدید که در اواخر قرن بیستم مجدداً پانیهضت‌های اسلامی احیا شد و هم اکنون در اوضاع بین‌المللی اهمیت عظیمی یافته است. به عنوان مثال انقلاب اسلامی ایران برای ظاهر شدن احیای اسلام بسیار تأثیر داشته است.»

وی با اشاره به تشکیل «سازمان کنفرانس اسلامی» اظهار

## تاریخ تحقیقات زبان فارسی و ایرانشناسی

**در ژاپن اگرچه سابقه طولانی ندارد اما بسیار ثمربخش بوده و خوشبختانه در این سالها تعداد دانشجویان و محققان در تمام رشته‌های ایران‌شناسی رو به افزایش است.**



## زبان فارسی از زبان‌های هند و اروپایی و زبان دوم جهان اسلام است.

**این زبان، رمز هویت فرهنگی ملت ایران بوده و ریشه عمیقی در جامعه ایران دارد.**

داشت که این سازمان نشانگر مدرن بودن جهان اسلام کنونی است. این سازمان از کشورهای مسلمان تشکیل شده و خواهان وحدت جهان اسلام است. گاهی در میان کشورهای عضو سازمان اتفاق نظری وجود نداشته است. به عنوان مثال در مورد جنگ ایران و عراق و جنگ خلیج فارس، در داخل سازمان، اختلاف نظر وجود داشته است، ولی این اختلافات در آخرین اجلاس سران کشورهای اسلامی در تهران، آشکارا کاهش یافت. از این جلسه مهم به بعد، هم برای کشورهای شرکت‌کننده و هم برای سایر کشورهای جهان، چگونگی وضعیت این سازمان مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، «سال گفتگوی تمدن‌ها» که برای سال ۲۰۰۱ توسط ایران به جهان پیشنهاد شد و در سازمان ملل متحد تصویب شد برای محققان قابل تأمل است.

شایان ذکر است پس از فروریختن دولت‌های مسلمان در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی، عبدالرحمن کواکبی در کتابش (طبایع الاستبداد) برای اولین بار ادعا کرد که برای اداره امت اسلامی، زهران دینی و سیاسی مسلمان باید در جلسات بین‌المللی مشاوره کنند، بدین منظور او جلساتی را ترسیم نموده و در کتاب خود آورده است. کواکبی این اثر را در مجله‌المنار - که مجله‌ای برای مسلمان سنی مذهب مدعی احیای اسلام بود - منتشر کرده است. او در اثر خود نشان می‌دهد که مذهب سنی و شیعه مخالف یکدیگرند ولی به نظر من این تصور رایج غلط است. تفاوت بین سنی و شیعه، از نوع «اختلاف مذهبی» نیست بلکه «تنوع فکری» است. اگر از نظر فکری با هم فرق داشته باشند طبیعی است که بحث‌های شدیدی میان طرفین ایجاد خواهد شد که همین بحث‌ها موجب تقویت افکار سیاسی گردیده است.

انقلاب ایران به ویژه استقرار جمهوری اسلامی، بحث‌های بسیار گرم سیاسی را در جهان اسلام به بار آورده است. در گذشته بر تفاوت میان سنی و شیعه تأکید می‌شد اما امروزه بحث اصلی در جهان اسلام معطوف به نزدیکی اسلام و مدرنیسم و چگونگی وضعیت اسلام در زمان معاصر است.

وی در پایان تأکید کرد: «اینجانب که درباره شیعیان عرب در لبنان و عراق مطالعه می‌کنم عقیده دارم که این نوع طرز فکرها اشتباه است که مثلاً مذهب شیعه راسلوی ایران تلقی کنیم و یا میان ایرانیان و عربها تفاوتی فاحش قائل شویم. ویژگی اسلام اینست که کوشش دارد تفاوت میان مذاهب اسلامی و ملیتها را کاهش دهد و از همین روست که در نهضت‌های

کنونی احیای اسلام، روی همین ویژگی تأکید شده است.» سخنران بعد حجه‌الاسلام رسول جعفریان از ایران بود که سخنانش را با عنوان «انقلاب اسلامی و جهان اسلام» آغاز کرد. وی مطالب خود را به سه بخش تقسیم نمود و بدینگونه به شرح و بسط آنها پرداخت: اول، آثار و نتایج انقلاب اسلامی در جهان. این آثار در چهار بعد کاملاً محسوس است.

الف. ترویج اندیشه اسلام سیاسی، که موجب گردید بعد سیاسی اسلام جدی‌تر مطرح شده و اندیشه حکومت اسلامی رواج بیشتری یابد؛ ب. ترویج اسلام انقلابی که سبب شد جنبش‌های اسلامی زیادی برضد سلطه حاکمان ستمگر در جهان اسلام پدید آید که آثار آن را در کشورهای مختلف اسلامی شاهدیم؛ ج. ایجاد اعتماد به نفس در دنیای اسلام که بار دیگر اندیشه احیای تمدن اسلامی را در جهان زنده کرد. د. نشر مذهب تشیع که به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی در بسیاری از نقاط جهان اسلام نفوذ کرده و روزبه روز توسعه یافته است.

۲. بسترهای تأثیر انقلاب اسلامی. تأثیر انقلاب در کشورهای اسلامی به چند طریق انجام گرفت: الف. حج، سیاسی شدن حج و جهت‌گیری ضدسلطه کفار از نکات مهمی است که در مراسم حج آغاز گردید. پیامهای سیاسی - عبادی رهبری انقلاب در ایام حج نشانگر این موضوع است. به علاوه تلاش‌های تبلیغی در ایام حج، در ترویج اندیشه‌های انقلاب به‌وفور دیده می‌شود. ب. لبنان. این کشور به عنوان یکی از دروازه‌های جهان اسلام مورد استفاده و ترویج اندیشه‌های انقلاب اسلامی قرار گرفت به ویژه که تنها نقطه‌ای بود که امکان درگیر شدن با اسرائیل - به عنوان مهم‌ترین دشمن جهان اسلام - وجود داشت. ج. سوریه. این کشور زمینه مناسبی برای تأثیرگذاری ایران بر جهان عرب بوده است.

۳. دشواری‌های انقلاب اسلامی با جهان اسلام. از جمله این دشواری‌ها می‌توان به سه نمونه آن که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است اشاره کرد: الف. مساله عرب و عجم. بخش عربی جهان اسلام تحت تأثیر اندیشه‌های نژادپرستانه - که در طول تاریخ اسلام وجود داشته - و در صدسال گذشته بیشتر هم شده، نوعی سازگاری با انقلاب اسلامی ایران نشان داده که در کتابهای منتشره بر ضد ایران دیده می‌شود. ب. مساله تشیع و تسنن. از آنجا که اغلب کشورهای اسلامی پیرو مذهب اهل سنت هستند، لذا این امر موجب عدم رابطه فعال ایران و جهان اسلام، به ویژه کشورهای عربی، گردیده است. ج. ترس از صدور انقلاب. تبلیغات جمهوری اسلامی ایران در ترویج اندیشه‌های انقلابی در سال‌های نخست پیروزی، سبب هراس حاکم کشورهای عربی شد و موجب قطع روابط فرهنگی و حتی سیاسی با ایران گردید و توهم مداخله ایران در آن کشورها را ایجاد کرد. این توهم سبب شد تا جهان عرب (به جز سوریه و لیبی) از آغاز تا پایان جنگ تحمیلی در کنار رژیم عراق قرار گیرند.

آخرین سخنران آقای تنسو ناواتا، استاد دانشگاه مطالعات خارجی توکیو و رئیس سابق گروه زبان فارسی بود که سخنانش را با عنوان «نقش زبان فارسی در تمدن جهان» ایراد کرد. خلاصه سخنرانی وی بدین شرح بود:

«زبان فارسی از زبان‌های هند و اروپایی و زبان دوم جهان اسلام است. این زبان، رمز هویت فرهنگی ملت ایران بوده و ریشه عمیقی در جامعه ایران دارد. غرض از این سخنرانی، دریافت درک عمیق‌تر از نقش فرهنگی و تاریخی این زبان و دلیل مهم و با ارزش گسترش آنست. تلاش دولت محترم ایران برای گسترش زبان فارسی در سطح بین‌المللی همواره مورد تقدیر است. این کوشش نیز در ژاپن، از سوی استادان ایرانشناس ژاپنی مورد ستایش قرار گرفته است.»

وی پس از این مقدمه به شرح اهمیت و تأثیر فرهنگی زبان فارسی در پنج بخش پرداخت و اظهار داشت: ۱. زبان فارسی نه

تنها از عوامل هویت مردم‌پیران و افتخار کشور اسلامی است بلکه از مایه‌های بزرگ فرهنگی جهانی است. برخی از آثار عظیم فرهنگی که به زبان شیرین فارسی به نگارش درآمده به اغلب زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده که این امر از عوامل گسترش این زبان بوده است.

۲. زبان فارسی نه تنها بر زبان‌های خانواده ایران تأثیر داشته و دارد بلکه بر زبان‌های دیگر از جمله اردو و ترکی نیز تأثیر داشته است. نفوذ زبان فارسی در ایران، افغانستان و تاجیکستان از اهمیتی بسیار برخوردار است. از آنجا که زبان فارسی بسیار غنی است اغلب زبان‌های دیگر مانند تاجیکی، پشتو، اردو و دیگر زبانها، لغات و الفاظی از زبان فارسی وام گرفته‌اند تا بتوانند از فرهنگ ادبی غنی و عمیق‌تری برخوردار باشند. این تأثیر آنقدر در زبان پشتو عمیق است که این زبان بدون الفاظ فارسی نمی‌تواند به عنوان یک زبان مستقل شناخته شود.

۳. زبان فارسی نه تنها در ایران بلکه در منطقه وسیعی از آسیای میانه و ترکیه نفوذ خود را به نمایش گذاشته است. قدرت و نفوذ زبان فارسی از لحاظ جغرافیایی و فرهنگی بسیار وسیع است. علل این نفوذ از این قرار است:  
الف. عامل خارجی، زبان فارسی دارای تاریخ طولانی و عظیمی است. این تاریخ دستاورد آثار گرانبه‌ها و غنی نویسندگان با ذوق ایرانی است.

ب. علت ذاتی یا زبانی. این امر ناشی از خصوصیات ساختمان زبان فارسی است که خود ناشی از سه دلیل است:  
۱. سادگی دستوری، دستور زبان فارسی بسیار آسان و قابل فراگیری است.

۲. سادگی نظام واج‌شناسی یا فونولوژی. بدین معنی که زبان فارسی از لحاظ صدا و آوا بسیار ساده است.

۳. پرمایگی معنایی. زبان فارسی استعداد فراوانی برای واژه‌سازی یا آفرینش الفاظ و کلمات جدید دارد.

۴. در ایران کنونی مؤسسات فرهنگی و آموزشی و پژوهشی از قبیل «شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی»، «فرهنگستان زبان و ادب فارسی»، «مرکز گسترش زبان فارسی در خارج از کشور» و غیره فعالیت با ثمر و گسترده‌ای داشته که مورد تقدیر و ستایش است. این مؤسسات برای حفظ قوت و اصالت و رواج زبان و ادب فارسی و گسترش حوزه و قلمرو آن در داخل و خارج از کشور، تلاش‌های ثمربخشی انجام می‌دهند.

۵. اگرچه فراگیری و پژوهش زبان فارسی (همانند زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و آلمانی) گسترده نیست اما این فراگیری و پژوهش ارزشمند و لازم است. دانشگاه توکیو و لوساکا دارای دپارتمان یا بخش مستقل فارسی بوده و در دانشگاه‌های معتبر و بزرگ دولتی ژاپن نیز تدریس می‌شود و در دانشگاه‌های خصوصی هم‌مورد استقبال قرار گرفته است.

تاریخ تحقیقات زبان فارسی و ایران‌شناسی در ژاپن اگر چه سابقه طولانی ندارد اما بسیار ثمربخش بوده و خوشبختانه در این سال‌ها تعداد دانشجویان و محققان در تمام رشته‌های ایران‌شناسی رو به افزایش است.

سهس جلسه پرسش و پاسخ به مدت بیست دقیقه ادامه یافت و در پایان سفیر ایران در توکیو ضمن خوشامدگویی به سخنرانان و حضار و تشکر از مسوولان دانشگاه مطالعات خارجی، خواستار نزدیکی و تبادل نظر میان صاحب‌نظران فرهنگی دو کشور و گسترش روابط و مناسبات دو کشور در همه ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شد.  
این سمینار در ساعت ۱۹/۰۰ همان روز خاتمه یافت.

# معرفی نخستین نشریه‌های زنان ایران

● مزدک ابهری

□ شکوفه به انضمام دانش. نخستین نشریه‌های زنان ایران.

□ تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۷۷

□ بهای: ۲۰۰۰ ریال.

زبان به طعن و انتقاد گشوده و می‌گویند:

«همین قدر عرض می‌کنیم، اگرچه زن هستیم و به‌قول آقایان ناقص عقل و ردیف بشر محسوب نمی‌شویم، از مرحمت پدرانمان هم که فضل و کمالی نداریم، ولی نادان در هر طبقه هست... امروز بر احدی پوشیده نیست که هر بیهو زن به این مجلس حق دارد. ما امروز حقوق خودمان را می‌خواهیم... همین قدر عرض می‌کنم زنها می‌توانند، آنچه را که می‌خواهند.» (نقل از مقدمه سرکار خانم سعیدی بر شکوفه... ص ۵۰).

آنگاه زنان به تمامی پدیده‌های اجتماعی روی می‌آورند و سعی می‌کنند که کارهای مردان را انجام دهند و از این روی به پدیده روزنامه‌نگاری و نشر آن هم می‌پردازند، گرچه میان اولین نشریه‌ای که در ایران توسط مردان - منتشر شد تا انتشار نخستین نشریه به‌دست زنان قریب به یک سده (۸۸ سال از ۱۲۵۳ چاپ کاغذ اخبار - ۱۳۲۸ چاپ دانش) فاصله زمانی است، اما باید اذعان داشت آنجا که مردان به انتشار روزنامه پرداختند، اختصاص به مردان نداشت چه نشریه عام‌بود و برای تک تک افراد جامعه. اما وقتی زنان پا به‌عرضه می‌گذارند و تصمیم به اقدام کاری می‌گیرند فقط

می‌گویند تاریخ ایران تاریخی است مذکر و به‌همان دلیل مردان نقش اساسی در اجتماع و تاریخ داشته و دارند. گرچه تاریخ ایران، تاریخ مذکر است ولی با وجود این زنان نقش حساسی در این تاریخ بازی کرده‌اند و پیوسته جای پای آنان در تاریخ مذکر مشاهده می‌شود و چه بسا زمینه‌ساز فتنه‌ها، توطئه‌ها و دسیسه‌ها بودند و حتی مرگ و میرها توسط آنان صورت پذیرفته است.

فتنه مغول نمونه بارزی بر این مدعا است که جای پای مادر سلطان محمد خوارزمشاه در آن دیده می‌شود.

در تاریخ معاصر ایران نیز زنان نقش عمده‌ای داشتند و گاه این نقش توأم با قدرت‌نمایی و با هنرنویسی زنانه همراه بوده است.

ملکه جهان خانم یا مهدعلیا مادر ناصرالدین شاه، پس از مرگ شوهرش محمدشاه و تا آمدن ولیعهد از تبریز به تهران زمان امور را به دست می‌گیرد و فتنه‌ها را در بطن خفه کرده که گویی شاهی نمرده است.

همچنین در این تاریخ مذکر آمده است زنان در انقلاب مشروطه نقش حساسی داشته‌اند و پس از آن بیشتر در عرصه اجتماعی و سیاسی ظاهر شده و سعی بر آن داشته و دارند که دوشادوش مردان به فعالیت اجتماعی بپردازند.

در تاسیس بانک ملی - نخستین بانک ایرانی - زنان با اهداء زیورالآت و جواهرات تزئینی خود سهم به‌سزائی دارند (روزنامه مجلس، سال اول، ش ۲، ۱۳۲۴ ه. ق، ص ۲).

زمانی به تشکیل اتحادیه‌ها و انجمن‌های مختلف پرداخته و در آنجا به تبادل افکار و عقاید خود می‌پرداخته‌اند که نمونه بارز آن در مبارزه با ورود کالا و اشیاء خارجی است که به حمایت از مشوجات و اشیاء داخلی و هم چنین شرکت در مبارزه سیاسی علیه استعمار اروپائی است. روزنامه انجمن تبریز در ۱۳۲۴ خبری از این نوع انجمن‌ها و تصمیمات زنان دارد: «از قرار معلوم گویا خواتین مکرمه تبریز مجلس و مجمعی قرار گذاشته‌اند که در ایام هفته جمع شده در باب ترتیبات لباس خودشان و غیره صحبت کرده، حتی المقدور سعی نمایند بلکه کمتر خود و صاحبشان را محتاج متاع و مشوجات خارجه کرده از ثروت خودشان نگاهند و در صورت امکان مدتی به همان البسه قدیم که دارند قناعت کرده بسر برند تا بلکه به فضل خداوندی و همت مردمان غیور فابریکها [کارخانه] در مملکت ایران تشکیل یابد که از احتیاج خارجه به کلی بی‌نیاز شوند» (روزنامه انجمن، سال اول، ش ۴، ۱۳۲۴، ص ۴).

با گذشت زمان، ظهور زنان در عرصه اجتماعی بیشتر شد، تا جایی که نسبت به عملکرد دولت‌مردان و مجلسیان